

نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

دوره جدید، شماره ۱۳ (پیاپی ۱۰) بهار ۸۲

واژه های گویشی درمخزن الادویه \* (علمی-پژوهشی)

دکتر محمود مدبری  
دانشیار دانشگاه شهید باهنر کرمان

چکیده:

مخزن الادویه، از مهمترین و بزرگترین کتابها درزمینه داروشناسی است که در قرون متأخر، توسط عقلی علوی خراسانی شیرازی در سال ۱۱۸۵ ه. ق. به رشته تحریر درآمده است. در این اثر که بیش از ۶۰۰۰ واژه طبّی و دارویی بصورت یک فرهنگ بزرگ و تفصیلی مورد بررسی قرار گرفته است؛ علاوه بر اطلاعات جامع و تخصصی از حیث زبانشناسی و مباحث لغوی و گویشی، داده ها و اشارات فراوانی را شامل می شود که در این مقاله به واژه های گویشی آن پرداخته شده است. این واژه ها که بیش از ۳۵۰ نمونه از اصطلاحات محلی مناطق مختلف ایران قدیم است؛ عمدتاً مترادفات و معادلات یا نام اختصاصی دارو و اصطلاح طبّی است که نویسنده کتاب، بعضاً در لابلای گفتارهای خود نقل کرده است. در اینجا کلیه واژه های مزبور، بر مبنای نام شهر و منطقه و سپس بصورت الفبایی همراه با معادلها ذکر شده و غالباً با تحفه حکیم مؤمن و گاه با برهان قاطع نیز مقایسه و مقابله و اختلافات آنها نیز ثبت گردیده است.

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۸۲/۳/۱۸

\* تاریخ دریافت مقاله: ۸۱/۱۱/۱۹

**واژگان کلیدی:** مخزن الادویه، تحفه، واژه، گویش، طب، دارو.

### ۱- مقدمه :

سید محمد حسین عقیلی علوی خراسانی شیرازی، از پزشکان و داروشناسان بزرگ قرن دوازدهم هجری است که خانواده او تا چند نسل، طیب مشهور عصر خود بوده اند نظیر حکیم میر محمد هادی علوی، متخلص به «شرر» و بخصوص میرزا محمد هاشم علوی شیرازی، ملقب به معتمد الملوک و نواب علیخان، معروف به حکیم علوی خان که بزرگترین پزشک ایران و هند در زمان نادرشاه افشار و محمد شاه دهلوی و صاحب آثار متعدّد و دایی پدر او بوده است.

عقیلی از سنین جوانی، این علم را نزد پدرش سید محمد هادی عقیلی علوی و سپس میرمحمد علی حسینی آموخته تا اینکه به سال ۱۱۸۵ هجری به حکم استاد خود اقدام به تألیف و تدوین قرآدینی به زبان فارسی و به ترتیب حروف الفبا کرده است.

منابع او در تألیف این کتاب یعنی «قرآدین مجمع الجوامع»، آثار پزشکی معروف قدیم و هم عصر او، نظیر قانون ابن سینا، جامع المالیقی ابن بیطار، تذکره شیخ یوسف بغدادی، تذکره شیخ داوود انطاکی، ترجمه تذکره ابوریحان بیرونی، اختیارات بدیعی، تحفه حکیم مؤمن، مفردات معتمد الملوک، ارشاد شیخ اسمعیل، اختیارات قاسمی، مجربات افضل، حواشی حکیم میر عبدالحمید بر تحفه و نیز کتابهای یونانی، عربی، فارسی و کتبی درادویه هندی بوده است. (عقیلی علوی، مخزن الادویه صص ۸۰۲-۱)

این کتاب بزرگ، شامل دو مقاله است: اول موسوم به «تذکره» درادویه مفرده و دوم قرآدین درادویه مرگبه به نام «مخزن الادویه» و «تذکره اولی النهی».

این بخش اخیر، قسم اعظم کتاب را دربردارد و به همین خاطر در بیش از ۱۹ باری که تا کنون در هند منتشر شده با همین نام «مخزن الادویه» انتشار یافته است. (مشار، فهرست کتابهای چاپی فارسی ج ۴ ص ۴۵۳۲) در مخزن الادویه، نزدیک به ۶۰۰۰ واژه طبّی مورد بررسی قرار گرفته و برای هرواژه، یک کلمه یا کلمات متعدّدی بعنوان مترادف ذکر شده است. عقیلی پس از ذکر هر اصطلاح طبّی، نخست نحوه تلفظ و مترادف در زبانها و لهجه های ایرانی را بیان می کند، سپس به خواص و ماهیت آنها می پردازد. بنابراین یکی از مهمترین ارزشهای این کتاب، مباحث لغوی و زبانشناسی و گویشی آن است. البته این سنتی بوده که از قدیم در کتابهای طبّی عربی و فارسی معمول بوده است و می توان از همین منظر به آثا رگرانقدر طبّی چون ذخیره خوارزمشاهی سید اسماعیل جرجانی، اختیارات بدیعی، تحفه حکیم مؤمن و نظایر آن نظر افکند و ارزشهای لغوی و زبانی آنها را بررسی نمود.

یقیناً ذکر مترادفات مختلف، از یونانی، هندی، ترکی، عربی و گویشها و لهجه های فارسی از روی همان منابع بوده است و در این میان بیش از ۱۲۰۰ واژه هندی را باید متذکر شد که خود مبحث جداگانه ای را می طلبد. اما واژه های گویشی این کتاب بیش از ۳۵۰ واژه و اصطلاح محلی است که تحت عنوان ۲۴ منطقه مختلف قابل تقسیم بندی است. بعضی از این مناطق، امروزه خارج از کشور عزیزمان ایران است؛ اما اکثر آنها در محدوده ایران کنونی است. کمترین واژه مربوط به بخارا، بلخ، خوارزم، دامغان و کابل است که عقیلی تنها به یک واژه اشاره کرده است. بیشترین آنها مربوط است به اصفهان با ۵۵ واژه، تنکابن با ۵۶ واژه، دیلم ۳۴ واژه، مازندران ۲۷ واژه و در رأس همه آنها شیراز با ۱۲۸ واژه.

نقل این کلمات از کتابهای گوناگون، شاید با مسامحاتی نیز همراه بوده است، اما آن دسته از واژه های شیرازی که منقول است؛ مطمئناً به صحت نزدیکی بیشتری دارند، چون شهر خود اوست و آشنایی کاملتری با آنها داشته است.

در این بین، واژه های مشترکی نیز میان مناطق مجاور و نزدیک مشاهده می شود؛ مانند مشترکات مناطق مازندران و دیلم یا تنکابن و دیلم. به نظر می رسد که واژه های شمالی، بویژه تنکابنی، مازندرانی، دیلمی و گیلانی را غالباً از کتاب تحفه حکیم مؤمن که اصالتاً تنکابنی است نقل کرده باشد، به همین علت، در این نوشته، کلیه واژه های گویشی تحفه حکیم مؤمن نیز استخراج و با واژه های مخزن الادویه مقابله شده است؛ تا بیشتر به کار آید.

درنامه های ایالات، لفظ «دارالمرز»، معلوم نیست که به کدام منطقه اطلاق شده است؛ چون در گذشته، این لفظ برای جاهای گوناگونی از جمله: رشت، گیلان، مازندران و استرآباد آمده است. (معین، فرهنگ فارسی ج ۵)

از این نمونه است لفظ «زند» که ظاهراً سه واژه ذکر شده از روی کتاب برهان قاطع نقل شده است. همچنین «کوهستان» که به نظرم ایالت جبال در غرب کشور باشد.

در اینجا تلاش شده که از خلال سطرهای بشماربیش از هزار صفحه کتاب مخزن الادویه، واژه های گویشی جمع آوری شود و زیر نام منطقه خود یا شهر یا ایالت، جداگانه و بصورت الفبایی با قید مترادف مورد نظر نویسنده و صفحه مزبور بیاید. لازم به ذکر است که وجود اشتباهات در کلمات، چه از طرف خود عقیلی علوی و چه از موارد چاپی کتاب مخزن الادویه، بدیهی است و البته جای تحقیق جداگانه در تحلیل این واژه ها خالی است و در این مقاله تنها به دسته بندی و وجه آماری و اهمیت واژه ها توجه شده است. ضمناً تمامی این واژه ها با تحفه حکیم مؤمن و برهان قاطع که معمولاً برخی

از آنها را دربردارد؛ مقابله شده و احیاناً موارد اختلاف در اینجا ذکر گردیده است. برای بعضی از واژه ها در مخزن الادویه معادل نیامده است؛ بنابراین با علامت (←) به آن کلمه ارجاع شده است.

چاپ رایج مخزن الادویه در ایران از روی نسخه چاپی کلکته، در سال ۱۸۴۴ میلادی است که از طرف سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی صورت گرفته و این مقاله نیز تماماً مستند به چاپ مذکور است.

## ۲- واژه های گویشی :

### ۱- اصفهان (۵۵ واژه)

آویشم : صَتر ۵۶۹ (تحفه ۵۶۳)

اسپَرزه : نَزرقطونا ، اسبغول ۲۱۶ - ۹۹۸ (تحفه ۱۵۵)

اَکروهک : ← گنجده ۱۷۷

الاشنگ : ← سنگ ۷۸۵

الاشنگ : لَحِيه التَّيس ۷۸۶

انگشت کنده : حَلِيث ، آنغوزه ۳۶۱ (تحفه ۳۰۷)

بُنْگَل : دَلِيك ، ثمر گل سرخ صحرايي ۴۲۴ (تحفه ۳۸۸)

تاج ريزی : عِنَب الثَّعْلَب ۶۲۰ (تحفه ۶۱۱)

جدوار : صبر ۹۲۰ (تحفه ۲۳۹) (در هر دو متن جدورا)

جَل وَزَع : طُحْلَب ، چغزابه ۵۸۲ (تحفه ۵۷۸)

خاکشی : تَوْدَرِي ، خَبَه ۲۸۱ - ۲۷۹ - ۹۲۵ (تحفه ۳۲۶ - ۳۳۰)

خر خدا : هَدَبَه ۸۸۷ (تحفه ۸۶۷)

خوک ره : زَبَب ۴۶۵ - ۹۲۷ (تحفه ۳۶۸ - ۴۴۱)

- داره سَبانک : خُلد، موش کور ۳۹۸ (تحفه ۳۵۵، دارسبانک )  
درخت نوش : شَرین ، نوعی سرو ۵۴۶  
ده نار: ( واحد وزنی است ) ۵۹ ( تحفه ۹۰۶ )  
دُرّه مگّه : خندروس ۱۰۱۹ (تحفه ۷۴۳)  
رشین : ثمر شبدر ۶۸۳  
زنجره : صُرُصُر ۵۶۸-۹۳۴ (تحفه ۴۵۵-۵۶۳)  
سبزقا: شَقْرَاق ۵۵۰-۹۳۵ (تحفه ۴۷۱)  
سفیدمرز: سلمه ۹۳۶ (تحفه ۴۸۷)  
سنجد کرخی : ثمر درخت نیم ۸۷۸-۹۳۸ (تحفه ۵۱۷، سنجد گرجی )  
سنگ : لَحیة التیس ، الاشنگ ۷۸۵ (تحفه ۵۵۰، سنگ )  
سیاه برنج : سیاه دانه ۹۴۱ (تحفه ۵۲۶، سیاه سیربیخ )  
شَبدر : خندقوقی ، نوعی یونجه ۳۶۹ (تحفه ۳۲۰)  
شمبلیله : خُلبه ۹۴۹  
شنبلیله : خُلبه ۳۵۹ (تحفه ۳۰۵-۵۵۰)  
شودرو: قُرط ، شبدر ۶۸۳  
عَلاجاره : عَقَق ۶۱۴ (تحفه ۶۰۵)  
غوغار : شُجورور (طائری است) ۵۴۴-۹۷۴ (تحفه ۵۳۸-۶۲۸ ، غوغاز)  
قارا: مَصَل ، قراقروط ۸۳۷ (تحفه ۸۱۶)  
قُدومه : تودری ۲۸۱-۹۹۱ (تحفه ۶۶۴)  
قُدومه گلگون : تودری سرخ ۲۸۱  
قَلاغ جاره : عقق ۹۹۸ (تحفه ۶۸۹، قلاجاره )

- قُلُوهُ : کلیه ، گرده ۷۵۷ (تحفه ۷۳۱)
- قُمَرِیت : کلم ۷۴۲ (تحفه ۷۱۵)
- قَنَدَرُون : عِلْک البَطْم ، سَقَز ۶۱۷ (تحفه ۶۰۸-۶۹۵)
- کَاکُلْک : شَیْلَم ، گندم دیوانه ۵۶۱ (تحفه ۵۵۵)
- کَس گَرِبِه : وَدَع ( حلزونی است ) ۸۸۱ (تحفه ۸۶۰)
- کُنْجِدِه : اَنْزَرُوت ، اکروهک ۷۷ (تحفه ۱۱۸-۷۴۳)
- کُو کوزک پنبه : غفاره ، کوزک ۹۷۲
- کومه : کامخ ۷۲۶ (تحفه ۷۴۵)
- کَهْلا : قَلِی ، شَخار ۷۰۴ (تحفه ۶۸۷-۷۴۷)
- کَل عَقْرَب : سَطاریون ، ریحان السلیمان ۴۵۹-۴۹۹-۱۰۱۷ (تحفه ۴۸۳-۷۳۴)
- کَل کافشه : احْرِیض ۱۰۱۷ (تحفه ۷۳۵)
- کَوِیج : زُعرور ۴۷۲ (تحفه ۴۴۹)
- مالمالی : حِرْدون ، سام ابرص ، چَلپاسه ۳۴۸-۴۹۰-۱۰۲۴ (تحفه ۲۹۵-۷۹۲)
- مَرُو : سوس ۵۲۹-۱۰۲۵ (تحفه ۵۱۸-۱۰۹، مؤد) (ظاهراً مژو صحیح است)
- مُشکینچه : نسرین ۸۷۰
- مَوْچِه : قُنابری ، سبزه ۷۱۰-۱۰۲۷ (تحفه ۶۹۰-۸۳۰)
- مُوسُورِه : دَلَق ، دله ۴۲۳ (تحفه ۳۸۹، مؤثره)
- نَخود الوندی : زَرَاوند مُدَحْرَج ۴۶۷ (تحفه ۴۴۶-۸۴۳)
- نَمَشْک : رُوغن تازه ۱۰۲۹ (تحفه ۸۵۱)
- وَشْک : غَرَب ( درختی است ) ۶۳۵ (تحفه ۶۲۶، وسک)
- هَرْدادو : حَسْک ، خارحسک ۳۵۵

- ۲- بخارا (۱ واژه)  
بورمنی: بقله یمانیه ۲۳۱
- ۳- بلخ (۱ واژه)  
منج: بقله یمانیه ۲۳۱
- ۴- تیریز (۳ واژه)  
درینه: تودری ۲۸۱  
سوردن: خُبه، خاکشی ۳۷۹  
گل عاشقان: حَمَاحِم، بستان افروز ۳۶۳-۱۰۱۷ (تحفه ۷۳۴)
- ۵- تنکابن (۵۶ واژه)  
اسبکول: سنجاب ۵۲۵ (تحفه ۵۱۴، اشکول)  
اسپلی: اسم جری است ۹۰۶ (تحفه ۷۹-۲۴۰)  
استاک: حَمَاض ۹۰۶ (تحفه ۷۹، استناک)  
اَسْتُکو: سُد، مشک زمین ۵۰۰ (تحفه ۸۰-۴۸۳، اَسْتُکو)  
اشکانی: بقله الیمانیه ۹۰۷ (تحفه ۸۴)  
اشگنی: بقله یمانیه ۲۳۱ (تحفه ۱۷۱)  
الاملك: فاشرا، هزارکشان ۶۴۱ (تحفه ۶۳۱)  
اوجا: درخت غَرَب ۶۳۵-۹۱۰ (تحفه ۱۲۶-۶۲۶)  
اوین: واق (مرغی است) ۸۰۰  
بلاخوار: جوشیصا ۳۲۵-۹۱۴ (تحفه ۱۸۳-۲۶۲)  
بندواش: ثیل ۹۱۵ (تحفه ۱۹۰)  
بیلدارو: جُند ۹۱۷ (تحفه ۲۰۵، بیله دارو)



- پلنگ تومول: و شق ۸۵  
پیم: سداب ۴۹۲-۹۱۷ (تحفه ۴۷۴)  
ترشه واش: حُماض ۹۱۸ (تحفه ۲۱۲-۳۱۷)  
تروم: أسطوخودوس ۱۲۲ (تحفه ۲۱۲)  
تورتگ: تدرج، تَدرو ۲۶۷ (تحفه ۲۰۸)  
جلی داروان: آزاد درخت ۸۷-۹۲۱ (تحفه ۶۵-۲۴۹، جلی دار، جلیدان)  
جج: مامیران ۹۲۰ (تحفه ۲۳۸)  
جز: آس بری ۹۰-۳۲۶  
جماز: سرخس ۴۹۵-۹۱۷-۹۲۱ (تحفه ۲۰۵-۲۵۲-۴۷۶، جماز)  
جیک: صرصر، زتجره ۵۶۸ (تحفه ۵۶۳)  
چرن: گیاه نَفسیا ۲۸۴ (تحفه ۲۴۲، چرند)  
حجر: نغر، چکاوک ۱۷۲  
خاص تره: جرجیرستانی، حُرَف بابلی ۳۰۲-۳۰۵-۹۲۵ (تحفه ۳۲۷)  
دارجج: ایدمامیر ۱۸۹ (تحفه ۱۳۰)  
دارجماز: بسفایج ۹۲۸ (تحفه ۱۵۷-۳۷۵)  
دیسمونو: ریحان السلیمان ۴۵۹  
دیورز: تاک بری بی ثمر ۷۴۱  
روباترس: ← جلی داروان ۸۷  
زراواش: ثَمام ۲۸۷-۹۳۳ (تحفه ۴۴۲)  
سینه یخ: لاغیه ۷۷۳ (تحفه ۷۵۱)  
شالختی: حنای شغال، کتم ۷۳۳ (تحفه ۷۱۰) (لغتنامه: شالختی)

- شکری: خُشکَنجَبین ۳۹۱  
شنگ: سگ نهری ۷۵۲  
شوکا: وعل، بَقْر الوحش ۹۵۰ (تحفه ۱۳۰ - ۵۵۳)  
سندل کاجول: خُف الغراب (حلزونی است) ۹۵۶ (تحفه ۵۷۰)  
کاش: لَصیقی ۷۹۰ (تحفه ۷۶۵)  
کراث: خرنوب ۳۸۵ (تحفه ۳۳۳ - ۷۲۲)  
کرجیل: زُعرور ۴۷۲ (تحفه ۴۴۹ - ۷۲۳)  
کرف: شعر الغول ۵۴۸  
کرک جرواش: ثیل، نوعی از خَرشَف ۲۸۹ - ۱۰۱۲ (تحفه ۲۳۳، کرک چرداش)  
ککو: لَبَلاب کبیر ۱۰۱۶ (تحفه ۷۳۱، ککر)  
کلاچک: وَدَع ۱۰۱۶ (تحفه ۷۳۴، کلاچیک)  
کلیک: دَلیک، ثمر گل سرخ صحرائی ۴۲۴ (تحفه ۳۸۸ - ۷۳۵)  
کوره بوم: جغد ۳۰۶ (تحفه ۲۴۵)  
کوسنبل: (کوسنبل) ۷۶۷ (تحفه ۷۴۵، کوستیل)  
کوه کوک: دَج، کبک دری ۴۱۵ (تحفه ۳۸۰)  
گندم مگه: خَنَدَروس، ذرّة مگه ۴۰۴ (تحفه ۳۶۳)  
لیارو: اَماریطُن ۱۶۵ (تحفه ۷۷۹، لیارو)  
لب دانه: جیکلک ۳۲۶ - ۱۰۲۲ (تحفه ۲۶۴ - ۷۹۵، چکلیک)  
لسه بال: سلوی، بلدرچین ۵۱۲ (تحفه ۵۰۰)  
مشک داس: شَواصِرّا، مشک الجن ۵۵۵ (تحفه ۵۵۲ - ۸۱۴) (لغتنامه: مشک واش)  
واپلیهم: فَطراسالیون، کرفس برّی ۶۵۶ - ۱۰۲۹ (تحفه ۶۴۵ - ۸۵۹)

وارموک: قنقد: خارپشت ۷۱۷ (تحفه ۶۹۳ - ۸۵۹ مشک و اش)

وُشم: سُمانی ۱۰۳۰ (تحفه ۸۶۵)

۶- جرجان (۳ واژه)

بورمنی: بقله‌یمایه ۲۳۱

زهرزمین: آزاد درخت ۸۷-۹۳۴ (تحفه ۴۵۹)

کرجیل: زُعرور ۱۰۱۱

۷- خراسان (۹ واژه)

برغست: قنابری، سبزه ۷۱۰-۹۱۳ (تحفه ۱۵۵-۶۹۰)

جُغرات: کَبِن حامض ۹۲۰

خیاربادرنک: قنقد، خیار ماکول ۶۷۶ (تحفه ۶۶۱)

شَخار: قلی ۷۰۴ (تحفه ۶۸۷)

شفتَرنگ: شلیل ۵۵۳-۹۴۸

کبیرو: شیرخشت ۵۵۹

کشیرو: شیرخشت ۵۵۹

گل عاشقان: زرین درخت ۴۷۱-۱۰۱۷ (تحفه ۴۴۳-۷۳۴)

گندنا: حُرف بابلی ۹۲۵

۸- خوارزم (۱ واژه)

زوله: قو، بیخ سنبل ۶۶۱ (تحفه ۴۵۸، لغت جرجانی نوشته است)

۹- دارالمرز (۳ واژه)

بادرنجویه: بادرنجویه ۱۹۵

گزنه: آنجره ۱۷۶ (تحفه ۱۱۷)

- موجود: شعرالغول ۵۴۸
- ۱۰ - امغان (۱ واژه)
- گوزن گیاه: کوسنبل ۷۶۷
- ۱۱ - دیلیم (۳۴ واژه)
- اسب دندان: خُشکَنجین ۳۹۱
- الاملک: فاشرا ۹۰۹ (تحفه ۱۰۵)
- اوجا: غَرَب ۶۳۵ (تحفه ۶۲۶)
- بَلَسَا: بلبوس ۹۱۵
- بهیم: غالیس ۹۱۵ (تحفه ۱۸۳، بلهیم)
- پیم: سَداب ۴۹۲ (تحفه ۴۷۴)
- تملی: گیاه ثافِسیا ۲۸۴ (تحفه ۲۱۷، تمنلی)
- تَموش: غَلیق ۶۱۷ (تحفه ۲۱۷)
- جِماز: سرخس ۴۹۵ (تحفه ۴۷۶)
- جیک: صُرُصُر ۹۲۲ (تحفه ۲۶۵)
- چچلا: خُطَاف، پرستو ۳۹۳ (تحفه ۳۵۰)
- چمیل: جیکلک، چکاوک ۳۲۶، ۹۲۱ (تحفه ۲۵۲-۲۶۴)
- خَنیس: حَشِيشَةُ الْعَلَق ۹۲۷ (تحفه ۳۶۷)
- دارجج: مامیرا ۹۲۸ (تحفه ۳۷۴)
- دارماس: دَرَارِیح ۴۳۶ (تحفه ۴۰۳، دارساس)
- دارواش: غنم ۹۲۸ (تحفه ۳۷۴-۶۱۴)
- سَدَلَه کاجول: قسمی از حلزون ۹۳۴ (تحفه ۴۵۴، صندل کاجول)

سنگ : جُنْدَبَادِ سِتر ۳۱۴

سنگ حنا: حَزَّازِ الصَّخْر: گُلِ سنگ (تحفه ۲۹۸)

شالکره : دُلَع ، خَارِ پِشْت ۴۲۳ - ۹۴۳ (تحفه ۳۸۸ - ۵۳۰)

شلکا انجیر: دیوانجیر، جُمَیز ۳۱۳

شو کا: وَعِل ، بَقَرَجَبَلِی ۸۸۶ (تحفه ۸۶۵)

کایش: خُلْد، موش کور ۳۹۸ - ۱۰۰۷ (تحفه ۳۵۵ - ۷۰۴)

کاجیره: احْرِیض، گُلِ کافشه ۱۰۷ (تحفه ۵۰)

کَچَه ماهی: دَلْفِین ۴۲۳ - ۱۰۱۰ (تحفه ۳۸۹ - ۷۱۲)

کَرَف: شَعْرالغول ۱۰۱۱ (تحفه ۷۲۳)

کَلَاچِک: وَدَع ( حلزونی است ) ۸۸۱ (تحفه ۸۶۰)

کَلَاکَلَا: لوف کبیر ۱۰۱۶ (تحفه ۷۳۵، گلاگلا)

کوسنبل: (کوسنبل) ۷۶۷ (تحفه ۷۴۵، کوستیل)

کیرجک: بَنگ ۲۴۳ (تحفه ۱۸۵، کیچک)

کیک واش: حَشِیْشَة البراغیث ۴۲۹ (تحفه ۳۰۲ - ۳۹۳ - ۷۴۸)

گندم مگه: خَنَدَرُوس ۱۰۱۹ (تحفه ۷۴۳)

لسه بال: سلوی ۱۰۲۳ (تحفه ۷۶۵)

وُشم: سُمَانِی ۵۱۵ - ۱۰۳۰ (تحفه ۵۰۵ - ۸۶۵)

۱۲ - زُفَد (۳ واژه)

کوزیانانا: کربزه ۱۰۲۰ (برهان، کوژبرتا)

کوَمَر: کَمَثری، امرود ۱۰۲۱ (برهان)

کیا: فِضَه ۱۰۲۱ (برهان: کیا)

۱۳ - شباتکاره فارس (۴ واژه)

بجو: کشت بر کشت ، پیچک ۷۴۸

خشم: کَشُوْث ۹۲۷

سلیمانی: چونلایی ۳۲۵

مشک چوپان: شَوَاصِرَا، مشک الجن ۵۵۵

۱۴ - شیراز (۲۸ واژه)

آلو کرچه: شاهلوج، آلو سلطانی ۹۴۴

آلو سلطانی: آلو کرچه ۹۴۴

آرجن: نوعی بادام کوهی ۴۸۷

اَرَسِ بُزَان: تریاق الحَیَّه ۹۱۸

آروانه: خُزَامِی ، شب بوی ۳۸۷

اَزْدُو: صمغ ۵۷۰

اَزْدُو اَمْرود: صمغ الِکْمَثْرَی ۹۵۵

اَزْدُو بادام: صمغ الفارسی ، صمغ اللوز ۹۵۵

اِسْفَرک: زریبر ۴۷۱

الالاشنگ: لِحِیة التیس ۷۸۶

اَلْم: دُخْن ، ارزن ۲۹۲-۴۱۸

اَنْدَقوقو: حَنْدَقوقی ، نوعی یونجه ۳۶۹

انکجک: تخم امروود جنگلی ۴۱۲

انگشت برگ: خُلْد، موش کور ۳۹۸

بالش عاشقان: قَتَاد، گُم ۶۷۲

بُخْرَك: بادام کوهی ۴۸۷-۳۱۱-۹۱۲

بَدْران: دُوْقُو ۴۳۰

بَرْتَراسَك: بَرِنجاسف، بومادران ۲۱۳

بَرْد: حَجَر ۹۳۸

بَرَنَك: تَنكار، زَبْدالبورق ۲۷۷ (تحفه ۲۱۷، برفك)

بَك: ضَفَاع، وزغ ۵۷۸

بَل شيرين: طرائيث ۹۱۵ (تحفه ۱۸۳)

بَنكو: بَزرقَطونا، اسبغول ۲۱۶-۹۱۵-۹۹۸ (تحفه ۱۵۵-۱۹۱)

پَرِياز: كُرَاث شامی ۹۹۱

پَر كاج: ثمر كاج ۵۷۳

تخم اَهْر: لسان العَصافير، زبان گنجشك ۷۸۹

تُرْبُزَه: فَجَل، ترب ۶۴۷

تُرْشَه: حَمَاض ۳۶۵

توت سه گل: غَلِيق ۶۱۷

توره: شغال ۷۵۲

توس: آزاد درخت ۸۷

تِيغال: خز ۵۵۱

جا حوشی: جاوشير ۲۹۳

جَل بَك: طَحْلَب، جَغْزابه ۵۸۲

چَرَبَه: قِيماغ ۱۰۰۶

چوبك اَشنان: بِيخ عَرَطَنيثا ۸۵-۹۸

- چوله : قُنْفُذ، خارپشت ۷۱۶
- چهره ریسک : صُرْصُر، زَنَجَرَه ۵۶۸
- خار سو هوک : حَسْک، خارخسک ۳۵۵
- خارمَهْک : شُکاعی، شوکة الیضاء ۵۵۱
- خَرَوَک : غفاره، کوزک ۹۷۲
- خَرَه : کُسَب، کُنْجاره ۷۴۷
- خز : کک، تیغال (کرمی است) ۵۵۱
- خطمی کوچک : گیاه خُبازی ۳۷۵
- خیار بالنگ : خیار دراز، قَتَد، خیار ماکول ۶۷۶ (تحفه ۶۶۱)
- خیار دراز : خیار بالنگ ۶۷۶
- دارمک : سودانی ۵۲۹
- درخت سه گل : عُلَیق الکَلْب ۶۱۸
- دل آشوب : ثمر پَنجَنگشت، حَب النیل ۱۰۴
- دوس : چیرا ۷۹۲
- راقوقه : نعناع ۸۷۲
- ریک : مَشْکَطَر امشیع ۸۳۴ (ظ : ریل)
- رمة : حَبَّ الحَديد، ریم آهن ۳۷۸
- رتجال : کامخ ایض ۱۰۰۹
- زلف عروسان : قَداح مریم ۹۹۱
- زنگباری : راتیانج، قُلْفونیا ۴۴۰
- زنگی دارو : اُسْقُولوْقندَریون، کَف النَّسر ۱۲۹



- زَهک : لبا، فُرشه، قَله ۷۷۴  
سبزه : قُنابری ، سوده ۷۱۰  
سرزردک : قیصوم ، بومادران ۷۱۹  
سرم : فِشاغ ۹۳۶ (تحفه ۴۸۱)  
سنبل دارو: یَنمه ۹۰۲-۱۰۲۷  
سوده : ← سبزه ۷۱۰  
شش بندان : فاشِرِ ستین ، کَرَمَة السّودا ۶۴۲  
شَفترَک : حُبه ، خاکشی ۳۷۹ (تحفه ۳۳۰)  
شکر تیغال : خانه کرمی است ۵۵۱  
شکم دریده : بَنکو، بَرزقونا ۲۱۶  
شلمیز: حُله ۳۵۹  
طلخا: دَج ، کبک دری ۴۱۵  
طوسک : حَسّ الکلب ، مُشط الرّاعی ۴۳۳  
فُسْتُق : چلغوزه ۵۷۳  
فُلوس ماهی : خانق الکلب ۹۸۳  
قَله : ← زَهک ۷۷۴  
قراقروت : رُحیین ، لور ۴۴۷  
قَسبک : قَسب ، خرماي سنگ اشکن ۶۹۲  
کاج : صنوبر ، ناژ ۵۷۳  
کارربک : بلبیل شامی (نیاتی است) ۸۱۹ (شاید گازرک)  
کاسه شکنک : شَقِرّاق ، سبز قبا ۵۵۰

- کاکل : بَطِيخ ۱۰۰۸  
کال : گاؤرس ۲۹۲  
کَبَر کازرونی : خرنوب شامی ۱۰۰۹ (تحفه ۷۰۸)  
کَچومَن : کاکنج ۷۲۵  
کدرو: آنزروت ۱۷۷  
کَر کو: کُم بُزه ،بَطِيخ خام ۶۷۳- ۹۹۰- ۱۰۱۲  
کک :- خز ۵۵۱  
کماه :- کمه ۶۹۲  
کُم بُزه :قِئَاء، خیارزه ، هوکو، کر کو ۶۷۳  
کمه : قُزَاح، کماه ۶۹۲  
کِنْتو: خِرْوَع، بیدانجیر ۳۸۶  
کوخر: خِزَاء بَری ، میرک کازرونی ۳۵۳  
کورک : کَبَر ۷۲۹  
کُور کُوره: حِدَاء، غلیواج ۳۴۶  
کُوشْت : حنظل ۳۷۱  
کَهزک: جَر جیر بُستانی ، کف عایشه ۳۰۲  
کِیل سرخ : زُعرور بُستانی ، مَثَل العَجَم ۴۷۲  
گاو کشک : شَبْرَم ۵۴۲  
گَل اُرْبَه : جُعده ۳۰۵  
گَل قَعْبَه : وَرْد الحَمَاق ، گَل رعنا ۸۸۴  
گَل فرنقلی :- گَل میخک ۷۱۴

- گل میخک: قنطوریون، گل قرنفل ۷۱۴  
گل هاشم: یاسمین ۸۹۵  
لاک پشت: سلحفاة ۵۱۱  
لیموخارکی: صندل اصغر، نوعی لیمو ۱۰۱۷  
ماترنگ: سام ابرص، چلیپاسه ۴۹۰  
ماروشی بیش: اشخیص ۱۳۴  
ماش دارو: کمافیطوس ۷۵۹  
مانداروی تلخ: گمادزیوس ۷۵۸  
مرغک سقا: صفراغون ۵۷۰  
مرگ موش عملی: دیگ بردیگ ۴۳۳  
مرگ موش کانی: شک ۵۵۱  
مشت رو: مازریون ۸۰۸  
مشکک: شیلیم، گندم دیوانه ۵۶۱  
مُشو: بنّفه، نوعی خُلر ۲۴۷-۳۹۹ (تحفه ۱۸۸)  
موش کور: خفاش ۳۹۵  
مویزک: زیب الجبل ۴۶۶  
مهبک: هادبه، خرخدا ۸۸۷  
مهک: سوس ۵۲۹  
میده: فُراته، نیده ۹۷۷  
میرک کازرونی: کوخر، خُزاء، دینار رویه ۳۵۳  
نارونه خرما: کُفری، غنچه خرما، تلوسه خرما ۷۵۰-۱۰۰۸

نخوش : ماردار، کرم دشتی ۶۴۱

وَزَّك : غَرَب ۶۳۵

وُهَل : عرعر، سرو کوهی ۶۰۰

هَرشه : لَبَلاب ۷۷۵

هزار اسپند: صندل دانه ۹۵۶

هفت زرده : نرگس ماده ۸۶۸

هو کو: ← گم بُزه ۶۷۳

يَحَكْک : تَنکار، بُورَه زَبَدی شیبه به یخ ۲۷۷ (تحفه ۲۱۷)

۱۵ - طبرستان (۸ واژه)

اسپ دندان: خُشکَنجین ۳۹۱

اشکانی : بقله الیماتیه ۹۰۷ (تحفه ۸۴)

اشکنی : بقله الیماتیه ۲۳۱ (تحفه ۱۷۱)

جعفری : خُراء، دینار رویه ۳۵۳ (تحفه ۲۹۷-۷۲۱)

دارمازی : بلوط ۲۳۹ (تحفه ۱۷۷)

دیودارو: کوسنیل ۷۶۷ (تحفه ۷۴۵، کوستیل)

گَنوس طَبَری : اَزگیل ۷۶۷ (تحفه ۷۴۲)

ماچه کول : حردون ۳۴۸ (تحفه ۲۹۵)

۱۶ - فارس (۳ واژه)

خایه ابلیس : اَكَمَكِت ۱۶۱

سرو ترکستانی : زَرَنب ۴۶۸

- عروسک پس پرده: کاکنج ۷۲۵  
۱۷- قزوین (۲ واژه)  
گزر: جزربری ۳۰۴-۴۳۰  
ورک: خرثوب تبّطی ۱۰۳۰ (تحفه ۸۶۳)  
۱۸- کابل (۱ واژه)  
آشخار: قلی، شخار ۷۰۴  
۱۹- کرمان (۳ واژه)  
خرزهره: حنظل ۳۷۱  
کرتیان کَرَو: نوعی خَلر ۳۹۹  
ماردرخت: تودری ۲۸۱  
۲۰- کوهستان (۲ واژه)  
پای زاغان: آطریلال ۹۰ (تحفه ۶۲۳)  
جرمیلک: بیخی است ۳۰۲ (تحفه ۲۴۰)  
۲۱- گرمسیری ایران (۱ واژه)  
چوج: آراک، درخت مسواک ۱۱۱  
۲۲- گیلان (۱۱ واژه)  
تخم کاجره: تخم کازیره، قُرطم، خَسکدانه ۶۸۴ (تحفه ۶۷۰)  
تخم کازیره: ← تخم کاجره ۶۸۴  
گیلام: جیلان، سنکهارا ۵۲۷  
گیلان: ← جیلام ۵۲۷  
خریزه گاو: جیکلک ۳۲۶ (تحفه ۲۶۴، خریزه کا)

خُلبه : خُلبه ، شنبلیله ۳۵۹

خَنِیس : حشیشة العَلَق ۳۵۶ (تحفه ۳۰۱)

شیرِ سته: سرکه شیرین مصنوع ۵۶۰ (تحفه ۵۵۶)

لارکی : خرنوب ۳۸۵ (تحفه ۳۳، الله گی)

وشیرا: قلی ، شخار ۷۰۴

هُر تیکه : آنجره ۱۷۶

۲۳ - لورستان (۵ واژه)

پای زاغان : آطریلال ، غاز اباغی ۹۰ - ۹۷۳ (تحفه ۶۲۳)

جَرمیلک : بیخی است ۳۰۲

طرم : بلبوس ، زیز ، تلخه پیاز ۲۳۷ (کذا)

گزر موشان : جِمِجِم ۳۱۲ - ۱۰۱۳ (تحفه ۲۵۱ - ۷۲۵)

مَحَلَب : حَبَّ المحلب ، پیوند مریم ۳۳۳

۲۴ - مازندران (۲۷ واژه)

ارمچی : فُنْقُد، خارپشت ۷۱۷ (تحفه ۶۹۳)

اسبَنک : سَنجاب ۵۲۵ (تحفه ۵۱۴، اشنیک)

الاملک : فاشرا، هزارکشان ۶۴۱

اناریچه : خَزاء، دینار رویه ، آذخر ۳۵۳ - ۹۰۹ (تحفه ۱۲۲ - ۲۹۷)

بازمیل : ثَمام ۲۸۷

تورنگ : تَدَرَج ، تذرو ۲۶۷ (تحفه ۲۰۸)

توکاور: شُحرور ۵۴۴ (تحفه ۵۳۸، توکا)

جعفری : خَزاء بستانی ، کرفس الماء ، جرجیر ۳۵۳ - ۹۲۰ (تحفه ۲۴۵ - ۲۹۸)

- خریزه گاو : جیکلک ۳۲۶
- زولنگ : قرصغنه ۹۳۴ (تحفه ۴۵۸-۶۶۹)
- زیل : شحم تیسِ هندی ۵۴۵
- سیسیان : آزاد درخت ۸۷
- شال تشی : ذُلع ، خارپشت ، ذُلُذُل ۴۲۳-۹۴۳ (تحفه ۲۸۸-۵۳۰)
- شالخنی : حنای شغال ، گتم ، وشمه ۷۳۳-۹۴۳
- شاهتره : کورتره ، نوعی جرجیرستانی ۳۰۲-۳۵۱
- شرویت : حندقوقی ، شبدَر ۳۶۹ (تحفه ۳۲۰)
- شلم بی : گیاه خُبه و خاکشی ۳۷۹ (تحفه ۳۳۰، سلم بی)
- کراکر: شِقراق ، سیزقا ۵۵۰ (تحفه ۵۴۵-۷۳۳، کراکرو)
- کله تره : شاهتره ، حُرْف البابی ۳۵۱
- کلیس : جری ۱۰۱۸ (تحفه ۲۴۰-۷۳۶)
- کُتار : ثمردرخت نیم ۱۷۸ (تحفه ۷۴۴)
- کوزتره ← شاهتره ۳۰۲ (تحفه ۷۴۶، کوله تره)
- کوله پَر : آنجُدان طیب ۱۷۵ (تحفه ۱۱۵، به لغت دارالمرزآورده)
- گوزن گیاه : کوسنبِل ۷۶۷ (تحفه ۷۴۵)
- لارکی : خرنوب ۳۸۵ (تحفه ۳۳۳، لله گی)
- نخیلک : گیاه خُبازی ۳۷۵ (تحفه ۳۲۹، بخیلک)
- ورده : سُمانی ۵۱۵-۱۰۳۰ (تحفه ۵۰۵-۱۶۳)

### نتیجه گیری :

مخزن الادویّه سیّد محمد حسین عقلی علوی خراسانی شیرازی که در سال ۱۱۸۵ هـ. ق. نوشته شده است ؛ یکی از مهمترین و بزرگترین کتابهای دارویی و پزشکی در قرون متأخر است که از آن زمان تاکنون حدود ۱۹ بار در ایران و شبه قاره هند به چاپ رسید و مورد استفاده و استناد صدها پزشک قرار گرفته است . بجز احتوا بر خواص دارویی و اطلاعات پزشکی که در این گونه کتابها دیده می شود؛ به سبب اشارات متعدّد نویسنده به مترادفات و معادلات واژه های دارویی و طبّی به نقل از زبانهای مختلف و بخصوص گویشها و لهجه های ایرانی ، مخزن الادویّه را باید از دید واژه شناسی و زبانشناسی نیز مورد بررسی قرارداد.

نویسنده کتاب ، مترادفات فراوانی را از زبانهای یونانی ، ترکی ، عربی و گویشها و لهجه های ایرانی و بیش از ۱۲۰۰ واژه هندی آورده است که از این میان ، حدود ۳۵۰ واژه گویشی برمبنای نام ولایات و شهرها بدین صورت قابلیت دسته بندی دارد:

اصفهان ۵۵ واژه ، بخارا ۱ ، بلخ ۱ ، تبریز ۳ ، تنکابن ۵۶ ، جرجان ۳ ، خراسان ۹ ، خوارزم ۱ ، دارالمرز ۳ ، دامغان ۱ ، دیلم ۳۴ ، زند ۳ ، شبانکاره فارس ۴ ، شیراز ۱۲۸ ، طبرستان ۸ ، فارس ۳ ، قزوین ۲ ، کابل ۱ ، کرمان ۳ ، کوهستان ۲ ، گرمسیری ایران ۱ ، گیلان ۱۱ ، لرستان ۵ ، مازندران ۲۷

چنانکه ملاحظه می شود، بیشترین واژه ها متعلق به اصفهان ، تنکابن ، دیلم ، شیراز و مازندران و کمترین آنها مربوط به بخارا، بلخ ، خوارزم ، دامغان ، گرمسیری ایران و قزوین است . در مقایسه این واژه ها با کتاب تحفه حکیم مؤمن ، مشخص شد که احتمالاً نویسنده اغلب واژه های شمالی ایران را از روی آن کتاب آورده است و لذا



در اینجا اختلافات با آن کتاب در داخل پرانتز ذکر گردیده است. اما آنچه به نظر می‌رسد بیشتر می‌تواند مورد اطمینان باشد، واژه‌های شیرازی است یعنی موطن عقیلی علوی که البته تعداد آنها نیز از سایر مناطق و شهرها افزونتر است.

**منابع و مأخذ :**

- ۱- آذر بیگدلی ، لطفعلی بیگ . (۱۳۷۸). **آتشکده (نیمه دوم)** . به تصحیح میرهاشم محدث. چاپ اول. امیرکبیر.
- ۲- الگود ، سیریل . (۱۳۵۶). **تاریخ پزشکی ایران و سرزمینهای خلافت شرقی** . ترجمه دکتر باهر فرقانی . امیرکبیر.
- ۳- الگود، سیریل. (۱۳۵۷). **طب دردوره صفویه** . ترجمه محسن جاویدان . دانشگاه تهران.
- ۴- برهان ، محمد حسین . (۱۳۶۲). **برهان قاطع** . به اهتمام دکتر محمد معین . چاپ پنجم. امیرکبیر.
- ۵- حسینی ، محمد مؤمن . (۱۴۰۲ هـ.ق). **تحفة حکیم مؤمن** . بامقدمه استادروضاتی. تهران. کتابفروشی محمودی.
- ۶- داور ، شیخ مفید. (۱۳۷۱). **تذکره مرآت الفصاحه** . با تصحیح دکتر محمود طاووسی. چاپ اول. نوید شیراز.
- ۷- رکن زاده آدمیت ، محمد حسین . (۱۳۳۹). **دانشمندان و سخنسرایان فارس** (ج ۳). تهران: کتابفروشی اسلامیة.
- ۸- صبا ، محمد مظفر حسین . (۱۳۴۳). **تذکره روز روشن** . به تصحیح محمد حسین رکن زاده آدمیت . کتابخانه رازی.
- ۹- عقیلی علوی خراسانی ، محمد حسین . (۱۹۷۶) **مخزن الادویه** . (بی جا )، (بی نا).
- ۱۰- مشار، خان بابا. (۱۳۳۵). **فهرست کتابهای چاپی فارسی** (ج ۴).
- ۱۱- معین ، محمد . (۱۳۶۴). **فرهنگ فارسی** . (ج ۵). چاپ هفتم . امیرکبیر .

**نشریات :**

- ۱- مدبری ، محمود.(۱۳۸۰). **عقیلی علوی خراسانی و مخزن الادویه** .  
نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان شماره ۸ و ۹. ص ۱۰۱.